[خطبه‌ی اول 2](#_Toc460619827)

[تفسیر سوره‌ی ناس 3](#_Toc460619828)

[ارکان استعاذه 3](#_Toc460619829)

[حقیقت استعاذه 4](#_Toc460619830)

[تفاوت سوره‌ی ناس با فلق 4](#_Toc460619831)

[ویژگی‌های پناه دهنده 4](#_Toc460619832)

[1. داشتن ربوبیت 4](#_Toc460619833)

[2. داشتن ملکیت... 6](#_Toc460619834)

[3. مستحق پرستیدن 7](#_Toc460619835)

[خطبه‌ی دوم 10](#_Toc460619836)

[وظایف گسترده‌ی ریاست جهموری در قانون اساسی 11](#_Toc460619837)

[ضرورت حضور در انتخابات، انتخاب آگاهانه و توجه به شرایط خاص بین‌المللی 11](#_Toc460619838)

[وظایف سنگین مسئولان و متصدیان انتخابات 12](#_Toc460619839)

[عدم رضایت کشورهای اروپایی و آمریکا به داشتن صنعت هسته‌ای 12](#_Toc460619840)

[نگهداری از محیط‌زیست وظیفه‌ای شرعی و ملی 13](#_Toc460619841)

[لزوم توجه دولت، به مقوله‌ی محیط‌زیست 13](#_Toc460619842)

[لزوم کمک‌رسانی مردمی به مستمندان و نیازمندان 14](#_Toc460619843)

[**دعا** 14](#_Toc460619844)

خطبه‌ی اول

السلام علیکم و رحمۀ الله

**أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ**. نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا علی ما یکون و نؤمن به و نتوکل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ به من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا و نصلی و نسلم علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد و علی آله الاطیبین الاطهرین، سیما بقیۀ الله فی الارضین.

**أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّـهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ)[[1]](#footnote-1)** **عبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی الله وَ مُلازِمَة امرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَزوا عِبادَالله فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَحیل[[2]](#footnote-2) (وَ تَزَوَدوا فَإِنَّ خَیرَ الزاد التقوی)[[3]](#footnote-3)**

همه شما نمازگزاران گرامی، برادران و خواهران ارجمند و خودم را به پارسایی، پرهیزکاری و فرمان‌بری از خداوند در همه‌ی احوال و شئون زندگی، سفارش و دعوت می‌کنم و از خداوند می‌خواهیم که درهای حکمت و بندگی و پارسایی را به روی همه ما بگشاید. امیدواریم خداوند همه‌ی ما را از بندگان وارسته و شایسته‌ی خود قرار بدهد.

## تفسیر سوره‌ی ناس

در ادامه‌ی بحث ما در تفسیر سوره‌ي ناس، به آیه‌ِ**(مَلِكِ النَّاس)[[4]](#footnote-4)** ‏رسیدیم. عرض کردیم که دو سوره‌ی فلق و ناس، بر محور استعاذه‌ی به خداوند و پناه بردن به خدا، در برابر شرور، بدی‌ها و ناپاکی‌ها مبتنی است و محور اصلی هر دو سوره این است که خداوند به پیامبر خود پناه بردن به خدا را تکلیف کرده است و به او آموخته است که انسان، حتی اگر در مرتبه‌ای باعظمت و بزرگی رسول گرامی اسلام6 باشد، در برابر خطرها و بدی‌ها و امواج خطر این دنیا، اعم از خطرات مادی و معنوی، باید به خدا پناه ببرد. یک نقطه در عالم هست که می‌تواند انسان‌ها را نجات دهد و آن نقطه‌ی امید، خداوند است. در سوره‌ی ناس که در ترتیب فعلی قرآن، آخرین سوره‌ی قرآن قرار داده‌شده است به پیامبر امر شده که بگو به خداوند پناه می‌برم.

### ارکان استعاذه

ما قبلاً گفتیم که پناه بردن به خدا و استعاذه، چند رکن دارد. یکی بدی‌ها و شروری است که انسان از آن‌ها به خدا پناه می‌برد و یکی هم خداوندی است که به او پناه می‌بریم و یکی هم خود ما هستیم که پناه برنده هستیم. این سه رکن و عنصر در استعاذه، وجود دارد. کسی که پناه می‌برد، پناه‌جو؛ بدی‌هایی که از آن‌ها فرار می‌کنیم و به خدا پناه می‌بریم و خداوند خیر مطلقی که به او پناه برده می‌َشود. حقیقت استعاذه، این سه محور را دارد. انسانی که پناه می‌برد و در برابر خطر قرارگرفته و می‌ترسد و احساس نیاز می‌کند که باید به‌جایی، توسل بجوید؛ بدی‌هایی که در برابر انسان قرار می‌گیرد چه بدی‌های محسوس و مادی و چه بدی‌های معنوی و روحی و درونی نامحسوس و سوم هم خداوندی که انسان‌ها را در کنف حمایت خود قرار می‌دهد و ما مأمور شده‌ایم که در دل و روح و جان خود، حرکتی به‌عنوان پناه بردن به خدا را ایجاد کنیم.

### حقیقت استعاذه

حقیقت استعاذه را هم که قبلاً بحث کردیم. حقیقت استعاذه هم این است که روح و روان انسان، در این عالم از این‌همه عوامل تهدیدکننده احساس خطر کند و احساس کند که در این کوران خطرها و طوفان بلاها و امواج وسوسه‌های شیطان، باید به‌جایی پناه ببرد و از جایی کمک گرفت. حقیقت استعاذه این است. این‌یک حقیقت قلبی است. این واقعیتی است که در روح انسان‌های مؤمن و هوشیار و هوشمندی که خطرها را می‌شناسند، سختی‌های پیمودن راه به سمت خدا را واقف هستند؛ با شناخت درست تلاش می‌کنند به‌سوی خدا بروند. این چیزی است که ما در این سوره‌ها به آن مأمور شده‌ایم.

### تفاوت سوره‌ی ناس با فلق

عرض شد که سوره‌ِی فلق، با سوره‌ی ناس، تفاوت‌هایی دارد که یکی از آن‌ها این است؛ در سوره‌ی فلق، بیشتر اقسام و انواع شرور و بدی‌ها مورد تأکید است؛ (**قُلْ أَعُوذُ بِرَبّ‏ الْفَلَق**)[[5]](#footnote-5)‏ پناه می‌برم خداوند که بعداً معنا خواهیم کرد؛ ولی بقیه‌ِی آیات مربوط به انواع بدی‌هایی است که در این عالم متوجه ما می‌شود. شرور مادی، شرور معنوی. شرور و بدی‌هایی که از سوی عوامل طبیعی متوجه انسان می‌‌شود؛ مانند خطرهای طبیعی. یا شرور و بدی‌هایی که از سوی انسان‌های شرور، متوجه انسان می‌َشود مانند فرعون‌ها و ظالمان و ستم‌پیشگان و شرور و بدی‌هایی که از سمت شیطان متوجه انسان می‌شود که از همه، خطرناک‌تر است. وسوسه‌ها و گمراهی‌هایی که از سوی شیطان به سمت انسان متوجه می‌شود. در سوره‌ی فلق بیشتر، اقسام بدی‌ها و انواع تهدید‌هایی که وجود دارد، مورد تأکید قرارگرفته است. در سوره‌ی ناس، بیشتر روی خدا، به‌عنوان مبدأ نجات‌بخش تأکید شده است و گفتیم که در اینجا روی سه صفت خداوند تأکید شده است.

### ویژگی‌های پناه دهنده

کسی که به او پناه می‌بریم و پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد بن عبدالله6 مأمور شده‌اند که به او پناه ببرند، خیلی اسما و صفات دارد اما در این سوره، روی سه صفت خداوند تأکید شده است. ربوبیت، ملکیت و الوهیت خداوند است. این سه صفت، مورد تأکید قرارگرفته است و این هم به خاطر این است که دل انسان را نرم کند و دل انسان را آگاه کند برای این‌که به همین‌جا باید پناه برد.

#### داشتن ربوبیت

وقتی‌که انسان در برابر خطر و تهدید و مشکل قرار می‌گیرد، طبع انسان این است که می‌خواهد خود را از این‌ها نجات دهد و به‌جایی پناه ببرد. کسی که می‌خواهد انسان به او پناه ببرد باید توانایی داشته باشد؛ ارزش این را داشته باشد که انسان به او پناه ببرد. خیلی وقت‌ها ممکن است که انسان اشتباهی به دیگری پناه ببرد یا به چیز دروغین پناه ببرد. فرض کنید کودک خردسالی در خانه، مقابل آتش‌سوزی قرار بگیرد و خطری متوجه او شود، اگر در خانه چند مجسمه باشد و کودک متوجه نباشد و به آن‌ها پناه ببرد. می‌خواهد خود را نجات دهد و به دنبال عامل نجات‌بخش می‌گردد. معنای استعاذه این است که به دنبال عامل نجات می‌گردد منتها ممکن است که این کودک در برابر خطر آتش یا خطر دیگری، به سمت یک موجود خیالی و پوشالی پناه ببرد. فکر می‌کند از دست مجسمه کاری برمی‌آید. تا خطر را می‌بیند به سمت مجسمه می‌رود؛ غافل از این‌که این مجسمه است و قدرت و توانایی ندارد که او را موردحمایت خود قرار دهد. ممکن است که انسان اشتباه کند و عامل نجات‌بخش را درست نشناسد. طبع انسان این است که به موجودی پناه ببرد که دارای قدرت و توانایی باشد و ارزش این را داشته باشد که انسان به او پناه ببرد. خیلی وقت‌ها ما به چیزی و کسی پناه می‌بریم که ارزش این را ندارد. این خیلی مهم است.

قرآن کریم، به پیامبر و مؤمنان راستین، آموخته که باید درخطرها پناه برد اما مهم این است که به چه کسی پناه ببریم؟ به خدا و برای این‌که دل ما را نرم کند و ما را بپروراند که به‌درستی به سمت نجات‌بخش حقیقی پناه ببریم. در زندگی به دنبال عوامل دروغین و پوشالی و خیالی نباشیم. فکر نکنیم انسان‌ها و موجودات دیگر می‌توانند به ما پناه بدهند؛ خیر. موجودات دیگر هر چه قدرتمند باشند در برابر خداوند چیزی نیستند. همه‌ی این‌ها مجازی است و همه در دست خداست. اگر قرار است به کسی و به‌جایی پناه ببریم، قرآن می‌فرماید به خدا پناه ببر. خداوند در آیات متعدد قرآن، ما را به هنگام خطرها و وسوسه‌ها، به نقطه‌ِی نیرومند عالم و مبدأ لایزال خلقت و خداوند بزرگ حرکت داده است. برای این‌که ما را آماده‌ی این پناه بردن کند، برای این‌که از آن حقیقت عالم دور نشویم و از موجودات بی‌خاصیت، استمداد نجوییم، این اوصاف را می‌گوید تا ما را تربیت کند. (**بِرَبّ‏ النَّاس**)‏[[6]](#footnote-6) این را توضیح دادیم که خداوند ربوبیت دارد. دست عنایت و حمایت خدا، از سر شما کوتاه نشده است. این دستی است که همواره بالای سر شماست؛ پس باید به او پناه برد. بعد هم نمی‌گوید رب همه‌ی عالم؛ ولو این‌که خداوند پروردگار همه‌ی عالم است؛ بلکه می‌گوید: رب شما مردم، مردم و انسان‌ها؛ چون بحث در این است که انسان می‌خواهد پناه ببرد و لذا بر صفت ربوبیت، به‌عنوان قدرتی که دائم سرپرستی می‌کند، تأکید شده است. بعد هم می‌گوید: ربوبیت خدا نسبت به شما؛ یعنی شما حس می‌کنید که با او رابطه دارید. ولو این‌که خدا **رَبِّ الْعالَمين**‏ است. ولی اینجا می‌فرماید: (**بِرَبّ‏ النَّاس**)‏ برای این‌که شما حس کنید که همین‌الان که پناه می‌بریم زیر چتر بی‌انتهای خداوند قرار گرفتیم. این ربوبیت است.

#### داشتن ملکیت

صفت دوم هم ملک است (**مَلِكِ النَّاس‏**)‏[[7]](#footnote-7) با این‌که خدا، ملک و پادشاه نیرومند همه‌ی عرصه‌های عوالم هست اما اینجا می‌فرماید: (**مَلِكِ النَّاس‏**) پادشاهی که قدرت دارد. ربوبیت خدا، لطف خدا را می‌رساند. عنایت مستمر خدا را می‌رساند. ملکیت خداوند، قدرت و حاکمیت بی‌پایان او را می‌رساند. این دو صفت باید موردتوجه باشد تا انسان درست بشناسد و به خدا پناه ببرد. یکی ربوبیت خدا که نشانه‌ی مهربانی خدا، لطف خدا، حمایت خدا و عنایت خداست و ملکیت خداوند که نشانه‌ی قدرت بی‌انتهای خداست. آن جمال خدا و این جلال خداست. این دو روی حساب، کنار هم قرارگرفته تا ما را تربیت کند. پناه ببریم به کسی که لطف و مهر و جمال دارد. عنایت مستمر و پایدار دارد. (**بِرَبّ‏ النَّاس**)‏. پناه ببرید به کسی که همه‌ی قدرت‌ها به دست اوست. پادشاه همه‌ی عالم و جهان است و پادشاه شماست و آن (**مَلِكِ النَّاس‏**) است. هم لطف و مهر و محبت و هم قدرت و نیرومندی خداوند، در این دو صفت به آن‌ها اشاره‌شده است و هر دوی آن هم به **النَّاس** اضافه‌شده است. کسی که هم به شما مهر و لطف می‌ورزند و هم کسی که قدرت بر شما دارد و بر همه‌ی عوامل این جهان و هستی و بر انسان، تسلط و سلطه دارد. این هم (**مَلِكِ النَّاس‏**). این فرق (**مَلِكِ النَّاس‏**) و (**بِرَبّ‏ النَّاس**)‏است. هر دوی این‌ها هم برای این است که ما را به سمت خود ببرد و عامل نجات‌بخش و نیرویی که درخطرها می‌تواند ما را حمایت کند را گم نکنیم.

**توضیحی در رابطه با کلمه‌ی ملک**

ملک را جلسه‌ی قبل عرض کردیم که دو صفت داریم که یکی ملکیت و مالکیت است و یکی هم پادشاهی و ملکیت است و هر دوی این‌ها هم دو قسم هستند. یکی اعتباری مانند چیزهایی که در این عالم هست؛ ما مالک لباس خود هستیم ولی به اعتبار. مسئولیتی که مسئولین دارند نیز اعتباری است؛ اما در خداوند هم مالکیت خداوند نسبت به همه‌ی هستی، هم ملکیت خداوند نسبت به همه‌ِی هستی، مالکیت و ملکیت مطلق بی‌پایان خالص ناب و بی‌پیرایه و حقیقی است. این در آیات قرآن هم ملک آمده و در تعابیر دیگر هم مالک آمده است. در روایات هم آمد است. چه بگوییم خداوند ملک است و چه بگوییم مالک است.

**ویژگی‌های مالکیت خداوند**

این مالکیت و ملکیت خداوند نسبت به عالم، چند خصوصیت دارد. اولاً این مالکیت و ملکیت، مطلق است و همه‌چیز را در برمی‌گیرد. ممکن است کسی درجایی مسئول و حاکم باشد، نسبت به مقداری مالک باشد. مالکیت خداوند، همه‌ی هستی را گرفته است و ملکیت خداوند نیز همه‌ی عالم را گرفته و مطلق است. مالکیت دومی که مالکیت و ملکیت خداوند، حقیقی است و به قرارداد و رای و خرید و معامله پیدا نمی‌شود. مالکیت حقیقی است که اتصال این عالم، به مبدأ خودش است و ملکیتی که قدرت خداوند، در همه‌ی عرصه‌های جهان و هستی است. بنابراین ملاکیت و ملکیت خدا، هم حقیقی است و هم مطلق است و هم منزه از هر نقص و ضعف و خلل است. این مالکیت و ملکیت خداست. منتها ملکیت خدا نسبت به مردم را اینجا بیان می‌کند چون می‌خواهد مردم را به سمت خدا، دعوت کند. این (**مَلِكِ النَّاس‏**) است که در اینجا آمده است. این مالکیت و ملکیت خدا در امتداد همان ربوبیت و خالقیت خداست که دنبال آن قرارگرفته است. پس به خدایی پناه ببرید که مهربان و صاحب لطف و کرامت است، صفت جمال خداست و لطف او استمرار دارد (**بِرَبّ‏ النَّاس**)‏. به خدایی پناه ببرید که صاحب جلال و جبروت و شکوه است؛(**مَلِكِ النَّاس‏**). این را می‌گویند صفت جمال و صفت جلال. رب بیشتر صفت جمال و مهر است و ملک صفت جمال و قدرت و عظمت خداست. هر دوی این‌ها لازم است که ما را به خود دعوت کند. ما باید به کسی پناه ببریم که هم کمال لطف و مهربانی دارد و دائم هم سرپرستی می‌کند و هم به کسی که علاوه بر این سرپرستی، قدرت بی‌پایانی دارد. هم باید به او دل بست و هم باید از او ترسید و این دو صفت برای این است که امید را در ما برانگیزد. (**بِرَبّ‏ النَّاس**)و برای این‌که ترس از او در ما برانگیخته شود؛ (**مَلِكِ النَّاس‏**) و این دو صفت موجب می‌شود که استعاذه‌ی واقعی پیدا شود. انسان او را درست بشناسد و پناه ببرد.

#### مستحق پرستیدن

بعد هم(**إِلَهِ النَّاس ‏**)[[8]](#footnote-8)؛ این سومین صفت است که (**إِلَهِ النَّاس ‏**)که الله هم از همین ماده است فرقش این است که الله اسم خاص خداوند است که اسم جامع خداوند است و همه‌ی اوصاف خدا در این اسم وجود دارد. همه‌ی آن‌هایی که در دعای جوشن کبیر هست، همه‌ی آن‌ها در کلمه‌ی الله وجود دارد. الله که می‌گوییم یعنی موجودی که همه‌ی آنچه که در دعاها خوانده‌شده در این کلمه وجود دارد. به همین خاطر است که این اسم بسیار شریف است. کلمه‌ی الله آثار و برکات فوق‌العاده‌ عجیبی دارد. لا اله الا الله هم که ذکر اعظم اذکار هست به خاطر این است که دارای کلمه‌ی الله و توحید است.

معنای اصطلاحی کلمه‌ی اله

اله را بنا بر برخی از اقوال می‌گویند یا به معنای تحیر است یا به معنای عبادت است شاید هر دو معنا هم در این کلمه باشد. اله هم به معنای مألوه است یعنی موجودی که انسان‌ها در وجود او متحیر هستند یا به معنای موجودی که دیگران او را عبادت می‌کنند. به معنای تحیر و عبادت آمده است که به‌احتمال‌قوی، اله که گفته می‌شود یعنی موجودی که معبود است. در قرآن هم کلمه‌ی الله بیش از 1000 بار و کلمه‌ی اله هم بیش از 100 بار ذکرشده است. وقتی‌که می‌گوید الهی جز خداوند در عالم وجود ندارد یعنی معبودی جز خدا در عالم نیست. این وصف اله در اینجا به معنای معبود است یا به معنای موجودی است که انسان‌ها در شناخت او متحیر هستند. هرکدام از این‌ دو باشد که به‌احتمال‌قوی به معنای معبود است بعد اشاره دارد که (**إِلَهِ النَّاس ‏**) یعنی موجودی که هم رب بود و هم ملک و پادشاه عالم هستی و انسان بود و هم موجودی که معبود انسان‌هاست. این وصف سوم یک امر جدیدی را می‌گوید. یعنی موجودی که او شایسته‌ی عبادت و پرستش است. آن دو صفت که امر تکوینی در عالم بود که خدا رب عالم و انسان است خدا، ملک انسان است؛ اما این‌یک امر در ارتباط انسان و عالم با او معنا پیدا می‌کند. خدایی که همه باید او را بپرستند؛ البته پرستش‌ها به معنای حقیقی بخواهیم بگیریم، هر کسی هر چیزی را بپرستد در حقیقت خدا را می‌پرستد ولو این‌که خودش نداند. در اول سوره‌ِی حمد که آمده(**الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمين**‏)[[9]](#footnote-9) معنایش این است که همه‌ی ستایش‌ها و ثناها از آن خداست.

**حقیقت پرستش بت‌ها و معبودهای ساختگی**

ممکن است کسی سؤال کند که در این عالم این‌همه مردم چیز دیگری را می‌پرستند؛ آیا این‌ها هم خدا را می‌پرستند؟ باید جواب داد که بله، حقیقت این‌ها همه از آن خداست ولی نمی‌فهمد. من همان وقتی‌که از همسر و فرزند و فردی که به من احسان کرده و من از او تشکر می‌کنم، ولو این‌که نفهمم عمق این تشکر، تشکر از خداست. برای این‌که کار او هم درصحنه‌ی توفیق الهی پیداشده است. در پرتو عنایت خدا بوده است که انسان‌ها کار می‌کنند و به شما کمک می‌کنند. پس وقتی‌که داریم تشکر می‌کنیم درواقع از خدا تشکر می‌کنیم. ازاین‌جهت است که حمد واقعی، ستایش واقعی در عالم فقط از آن خداست.همه‌ِی ثناها در عالم که محقق می‌شود اگر بکاویم و تحلیل کنیم در عمق آن خدا جای دارد. ولو این‌که خود شخص نفهمد. این‌یک واقعیت در عالم است. (**الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمين**‏)هم یک معنای آن همین است؛ یعنی حقیقت حمدها، حقیقت ستایش‌ها و سپاس‌ها در همه‌ی عالم، به خدای متعال برمی‌گردد. این‌یک معناست. البته این ارزشی ندارد. اگر انسان نفهمد و مستقیم خدا را نپرستد، ارزشی ندارد. وقتی ارزش دارد که این واقعیت را بفهمد و لذا وقتی (**الْحَمْدُ لِلَّهِ** ‏) می‌گوییم، یک حقیقتی را بیان می‌کنیم. واقع همه‌ی حمدها و ستایش‌ها برای خداست. ولی کی ارزش پیدا می‌کند؟ وقتی‌که من بفهمم که این حمد و سپاس از آن خداست. برای وقتی است که وقتی من از کسی تشکر می‌کنم بفهمم که در حقیقت از خدا تشکر می‌کنم. این نگاه توحیدی است که ارزش زیادی دارد که انسان، بفهمد که همه‌ی این ستایش‌ها برای خداست. اگر از دیگری هم تشکر می‌کنیم در حقیقت از مبدأ عالم و حضرت حق تشکر می‌کنیم. او را سپاسگزاری می‌کند ولی ارزش آن به این است که این را بفهمد و اگر نفهمد ارزشی ندارد. این‌که انسان، بفهمد عبودیت خدا و این‌که این‌ها به خدا برمی‌گردد، ارزشمند است که ما به‌سوی آن دعوت شدیم و معبود بودن خدا هم همین است. بت‌پرستانی که بت را می‌پرستند درواقع کسی را عبادت می‌کنند که قدرت دارد و می‌تواند در این عالم دخالت کند و او در مصداق، اشتباه کرده است که این اشتباه بزرگ و شرک است. ولی درواقع، در اعماق فطرت، آن موجود آگاه و مدبر و خالق و قادر را عبادت می‌کند. این اشتباه در مصداق و تطبیق است که مرتکب شده است.

در مورد (**إِلَهِ النَّاس ‏**) هم که گفته می‌شود، ممکن است هر دو معنا را داشته باشد. یک وقتی‌که می‌گوییم (**إِلَهِ النَّاس ‏**) یعنی چیزی که معبود حقیقی توست، همه‌ی عبادت‌های انسان‌ها از اول تا آخر حتی انسان‌های مشرک هم نوعی عبادت و تشکر از یک موجوداتی دارند که در حقیقت آن‌ها نشانه‌های خدا هستند و به خدا برمی‌گردد. این به این معنا اله همان عبودیت تکوینی را می‌خواهد بگوید که هر عبادتی به خدا برمی‌گردد. ممکن هم هست که مقصود همان عبادت خاص و باانگیزه و ایمان و فهم و آگاهی باشد که اگر این دومی باشد، (**إِلَهِ النَّاس ‏**) یعنی آن معبود حقیقی انسان‌های پاک و انسان‌هایی که دارای آگاهی و شعور و اهل ایمان هستند. اگر اله را به معنای عبودیت کلی مطلق بگیریم، ناس در اینجا همه‌ی مردم است حتی مشرک و بت‌پرست‌ها برای این‌که درواقع خدا اله آن‌هاست و اگر اله را به معنای معبود تشریعی، عبادت باایمان بگیریم منظور از ناس در اینجا همان انسان‌های مؤمن است. این صفت سوم، اشاره‌ی به این دارد که باید به کسی پناه برد که هم او را باید عبادت کرد. یعنی نقطه‌ی عبادت انسان، همان نقطه‌ِی پناه بردن است و این است که در عبادت‌ها ما به خدا پناه می‌بریم و از او کمک می‌گیریم. حقیقت عبادت یعنی همان کمک گرفتن از خداوند است و این صفت سوم یک صفتی است که جنبه‌ی عبودیت خدا را اشاره می‌کند.

بنابراین در این سه صفت هم صفت جمال آمده و هم صفت جلال. هم صفات تکوینی آمده و هم آن عبودیت تشریعی خداوند آمده است و اشاره‌ای به ابعاد مختلف توحید دارد؛ چون توحید چند مرحله دارد که شنیده‌اید. این‌که معتقد باشید که یک وجود در عالم هست؛ اوصاف او عین ذاتش است و این‌که دائم در خلق و ربوبیت است و توحید در ربوبیت است و این‌که فقط او شایسته‌ی عبادت و ستایش و استعاذه است. این (**إِلَهِ النَّاس\*بِرَبّ‏ النَّاس\* مَلِك‏النَّاس**)[[10]](#footnote-10) اشاره به همان توحید در ربوبیت دارد و اوصاف دارد (**إِلَهِ النَّاس ‏**) به توحید در ربوبیت و عبادت اشاره دارد. خدایی که او شایسته‌ی عبادت و اطاعت است. این خدایی که این صفات را دارد باید به او پناه برد.

**(بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ قُلْ أَعُوذُ بِرَبّ‏ النَّاسِ\*مَلِكِ النَّاسِ\*إِلَهِ النَّاسِ\*مِن شَرِّ الْوَسْوَاسِ الخْنَّاسِ\*الَّذِى يُوَسْوِسُ فىِ صُدُورِ النَّاسِ\*مِنَ الْجِنَّةِ وَ النَّاسِ)[[11]](#footnote-11)** صدق الله العلی العظیم.

خطبه‌ی دوم

أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِالْحَمْدُ لِلَّـهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ و صلی الله علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد و علی علی امیر المؤمنین و علی الصدیقۀ الطاهرۀ فاطمۀ الزهراء و علی الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنۀ و علی ائمۀ المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و خلف القائم المنتظر. ساسۀ العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و امناء الرحمن و سلالۀ النبیین و صفوۀ المرسلین و عترۀ خیرۀ رب العالمین صلواتک علیهم اجمعین.

**أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ ( يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّـهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ)[[12]](#footnote-12) عبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی الله** پیام تقوا و توصیه‌ی به تقوا را از پیشوای پارسایان و امیرمومنان7 می‌شنویم که در خطبه‌ای فرمودند: «**فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّه**»[[13]](#footnote-13) ‏بندگان خدا، تقوای خدا را پیشه کنید « **وَ بَادِرُوا آجَالَكُمْ بِأَعْمَالِكُم**‏»[[14]](#footnote-14) با عمل‌های نیک به سمت مرگ و عجل خود سبقت بگیرید. « **وَ ابْتَاعُوا مَا يَبْقَى لَكُمْ بِمَا يَزُولُ عَنْكُم** ‏»[[15]](#footnote-15) ‏ با سرمایه‌های فناپذیر، سرمایه‌ی جاویدانی تهیه کنید. سرمایه‌های فناپذیر شما، عمر و جوانی و مال و ثروت و مسئولیت و هر چه اینجا در اختیار ماست، همه سرمایه هستند. خداوند ما را مأمور کرده که سرمایه‌های فناپذیر را به سرمایه‌های ابدیت و جاودانی تبدیل کنیم. امیرالمومنین7 می‌فرمایند: با عمل شایسته به سمت مرگ بروید. با سرمایه‌های پایان‌پذیر و نابود شدنی، سرمایه‌های جاودان و ابدی برای خود به دست بیاورید. « **وَ تَرَحَّلُوا فَقَدْ جُدَّ بِكُمْ وَ اسْتَعِدُّوا لِلْمَوْتِ فَقَدْ أَظَلَّكُم‏**‏»[[16]](#footnote-16) کوچ کنید که شما را به کوچ واداشته‌اند. ماندن و ایستادن به اختیار شما نیست. ایستادن در عمر این عالم و این جهان، بی‌معناست. «**فَقَدْ جُدَّ بِكُمْ»**. با تمام جدیت شما را می‌برند و این قافله در حرکت است. چشم بینا و هوشمندی لازم است که دائما حس کند که می‌رود و نایستاده است. وقوف و سکون در این عالم معنا ندارد. با تمام جدیت این کاراوان را به سمت آن عالم، به پیش می‌برند. بخواهید یا نخواهید. روزها، ساعت‌ها، دقیقه‌ها، ثانیه‌ها، کودکی، جوانی، میانسالی، کهنسالی و آنگاه بانگ بر آمد که خواجه مرد. این قافله به سمت جلو و با همه‌ی جدیت و شتابان در حرکت است. «**وَ تَرَحَّلُوا»**. این هنر شماست. بی‌عمل و بدون آمادگی نباشید تا شما را ببرند. خیر خودتان بروید. این هنر شماست که با نیکی و تقوا و پاکی و شایستگی خود را جلو ببرید. بخواهید با نخواهید برده می‌شوید. کاری کنید که با شایستگی و با پای خود، با اراده‌ی الهی خود به جلو بروید. «**وَ اسْتَعِدُّوا لِلْمَوْتِ»** آماده‌ی مرگ باشید؛ چرا که مرگ بر شما سایه افکنده است. گویا مرگ یک خیمه است که سایه‌ی خود را بر سر همه افکنده است. هر کدام در موعد و عجل مقرر خود به آن سمت خواهیم رفت. این خیمه بر سر همه‌ی ما سایه افکنده است. «  **وَ كُونُوا قَوْماً صِيحَ بِهِمْ فَانْتَبَهُوا**‏»[[17]](#footnote-17) از کسانی باشید که بر سر شما داد زدند و بیدار شدند. گویا با حرف کسی بیدار نمی‌شود. آیات قرآن و خطابه‌های امیرالمومنین7 و سایر مواعظی که در متون دینی ما آمده، فریادهای خداست. شما از کسانی باشید که با این فریادها بیدار شدند. به خواب گران، فرو نروید که فریاد هم او را بیدار نمی‌کند. حداقل از کسانی باشید که این فریادها، آن‌ها را بیدار می‌کند. «  **وَ عَلِمُوا أَنَّ الدُّنْيَا لَيْسَتْ لَهُمْ بِدَارٍ فَاسْتَبْدَلُوا**‏»[[18]](#footnote-18) از کسانی باشید که فهمیدند. به خدا پناه می‌بریم از این‌که این‌ها را بخوانیم و بگوییم و دل‌های ما در غفلت‌ باشد. از کسانی باشید که فهمیدند که دنیا جای ماندن نیست و به جای دنیا، جای دیگر را برگزیدند. خداوند شما را بیهوده نیافریده است. شما را بی‌آرمان و هدف رها نکرده است. میان شما و بهشت یا جهنم یک گام است و آن مرگ است. یک گام میان شما و مرگ فاصله است. «  **وَ مَا بَيْنَ أَحَدِكُمْ وَ بَيْنَ الْجَنَّةِ أَوِ النَّارِ إِلَّا الْمَوْتُ أَنْ يَنْزِلَ بِه‏**‏»[[19]](#footnote-19) میان شما و بهشت جاودان یا عذاب ابدی جز یک گام که مرگ باشد، وجود ندارد. آن پایانی که لحظه‌ها و نفس‌ها آن را نزدیک می‌کند. آن پایان، شایسته‌ی عمری که لحظه‌ها و نفس‌ها آن را به پایان می‌برد، شایسته‌ی این است که کوتاه دانسته شود و باقی نمی‌ماند. «  **فَتَزَوَّدُوا فِي الدُّنْيَا مِنَ الدُّنْيَا مَا تَحْرُزُونَ بِهِ أَنْفُسَكُمْ** ‏»[[20]](#footnote-20) از همین دنیا، برای آن چیزی که فردا شما را در ایمن قرار می‌دهد، استفاده کنید. امیدواریم که خداوند به ما توفیق خواندن و شنیدن این مواعظ و نصایح خیر پیشوایان معصوم را به ما عنایت بفرماید.

## وظایف گسترده‌ی ریاست جهموری در قانون اساسی

چند نکته هم به مناسبت‌ها عرض می‌کنم. نکته‌ی اول این است که به ایام انتخابات ریاست جمهوری نزدیک می‌شویم. برای ما و ملت ما حضور در این صحنه، برای همه‌ی کسانی که به اسلام، انقلاب، مکتب اهل‌بیت: و به کیان و استقلال کشور خود دل‌بسته‌اند، از اهمیت خاصی برخوردار است. در طبع خود، کسی که برای چهار سال مسئولیت ریاست جمهوری را بر دوش می‌کشد، دامنه‌ی مسئولیت بسیار و گسترده‌ای دارد. اگر شما به حدود اختیارات رئیس‌جمهور در قانون اساسی مراجعه کنید، می‌بینید که عمده‌ی قدرت اجرایی کشور و سرنخ‌های برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌ها در کشور، در دست قوه‌ی مجریه است و رئیس‌جمهور ،طبق آن نظامی که در قانون اساسی ما تدوین‌شده و نخست‌وزیری وجود ندارد، مرکز قدرت اجرا و تصمیم‌گیری کشور است و حدود اختیارات و وظایفی که در قانون اساسی برای رئیس‌جمهور تعیین‌شده، حدود وسیعی است؛ گرچه تفاوتی‌هایی دارد اما تمرکزی در قانون اساسی در رئیس‌جمهوری ماست چون نخست‌وزیر به آن معنا وجود ندارد. البته از طرف دیگر آن‌طور که در قانون اساسی طراحی‌شده برخی از اختیارات، در حوزه‌ی نظامی و برخی از قسمت‌های دیگر و اختیارات نخست‌وزیر، در اختیار رهبری است؛ اما درمجموع، حوزه‌ی اختیارات رئیس‌جمهور بسیار وسیع و بسیار مؤثر است. در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و حتی نظامی و همه‌ی شئون کشور، رئیس‌جمهور دارای نقش برجسته‌ای است.

### ضرورت حضور در انتخابات، انتخاب آگاهانه و توجه به شرایط خاص بین‌المللی

رای مردم در گزینش فرد از میان کسانی که کاندیدا خواهند شد، نقش مؤثری است. علی‌رغم این‌که یک شرایط کلی و کلان در رئیس‌جمهور احراز می‌شود و شورای نگهبان او را احراز می‌کند، اما در میان کاندیداها در نوع برنامه‌ها و دیدگاه‌ها و نقطه نظرات، در جنبه‌های مختلف تفاوت‌های جدی وجود دارد که باید به آن توجه کرد. بنابراین تأثیر و نقش ریاست جمهوری نقش بالایی است و نقش رای مردم هم بسیار مهم است که باید به آن توجه داشت. باید شرایط خاص بین‌المللی که امروز در دنیا هست، اقتضا می‌کند که یک انتخابات روشن و قوی و با حضور جدی برگزار شود.

### وظایف سنگین مسئولان و متصدیان انتخابات

هم وظیفه‌ی مسئولان و متصدیان که دخالتی در برگزاری انتخابات ریاست جمهوری دارند از بالا تا پایین برای این‌که یک انتخابات درست و سنجیده‌ای را برگزار کنند، نقش مهمی است. مسئولین در حوزه‌های اجرایی و نظارتی، وظایف سنگینی دارند. این‌که عرصه را برای انتخابات درست باز کنند و در مقام نظارت درست عمل کنند و در مقام اجرا، بی‌طرفی خود را اعمال کنند و زمینه را برای گزینش درست ملت و مردم را فراهم کنند، نقش بسیار حساسی است و هم نقش مردم و حضور درصحنه‌ی انتخابات در شرایط فعلی ما، امر مهمی است. امیدوارم گروه‌ها، جناح‌ها، طبقات مختلف، مسئولان اجرایی و نظارتی انتخابات ریاست جمهوری ان‌شاءالله به فضل الهی و با توفیقات الهی به وظایف خود به‌درستی عمل کنند و نهایتاً با حضور خوب و قوی و نیرومند مردم و هوشیارانه‌ی مردم به شکل‌گیری قوه‌ِی مجریه‌ی قوی و نیرومند که به دردهای مردم و آینده‌ی کشور بپردازد. صاحب قدرت درست و صلابت درست در برابر دشمنان باشد، دسترسی پیدا کنیم و برای چهار سال دیگر، قوه‌ی مجریه‌ی سالم و آگاه و نیرومند، شکل بگیرد. این‌یک جهت است که در این ماه‌های آینده به آن توجه کنیم. حضور خود را جدی بگیریم. دیگران را در حضور درصحنه و شناخت درست ترغیب کنیم و افکار و اندیشه‌های کاندیداها را دقت کنیم. گرچه همه‌ی این‌ها انسان‌های شایسته‌ای هستند؛ اما وظیفه‌ی ما این است که ما برتر‌ها را انتخاب کنیم و ازآنچه که انتخابات را مخدوش می‌کند؛ تخریب‌ها و رقابت‌های بی‌جا و عدم رعایت آداب و قوانینی که برای انتخابات هست، باید پرهیز کرد و بحمدالله مردم ما بعد از 25 سال ادب و آداب انتخابات را آموخته‌اند و ما در دنیای امروز، علیرغم آن‌همه هیاهویی که برعلیه کشور ما وجود دارد، کشوری هستیم که بیش از 20 انتخابات را برگزار کردیم و انتخابات زیادی را به نمایش گذاشتیم و ان‌شاءالله ملت ما سرافراز و پیروز از این صحنه بیرون خواهد آمد.

## عدم رضایت کشورهای اروپایی و آمریکا به داشتن صنعت هسته‌ای

ما در همین ایام شرایط بین‌المللی را ملاحظه می‌کنیم. علیرغم آن منطق درست و سنجیده‌ای که کشور ما در بحث‌های انرژی هسته‌ای تعقیب کرده، اما می‌بینیم که دشمن به این‌ها رضایت نمی‌دهد و باز در جلسه‌ی اخیر هم باز همان سه کشور اروپایی که عهدشکنی کردند هم آمریکا هم که تکلیفش روشن است و هم برخی از کشورهای دیگر، باز تأکید کردند و تصریح می‌کنند که ما می‌گوییم فناوری هسته‌ای و این دانش، اصلاً نباید در کشور ایران شکل بگیرد و رشد کند و این چیزی است که ما برای این اهمیت قائل هستیم. به سلاح هسته‌ای اعتقادی نداریم و به دنبالش هم نیستیم اما فناوری هسته‌ای این‌که خودمان این دانش را به دست آوردیم و این را حفظ خواهیم کرد. می‌بینید که دنیا همین را نمی‌پسندد. یعنی درحالی‌که اسرائیل دارای آن‌همه تسلیحات نظامی و سلاح‌های هسته‌ای هست اما برای هیچ کشور اسلامی این را نمی‌پسندد. حتی برای کشورهای وابسته‌ی به خودشان را نیز قبول نمی‌کنند. حتی مانند پاکستانی که در همان مسیر سیاست‌های غرب همراهی می‌کنند، مورد بغض آمریکا هستند که چرا به سمت سلاح هسته‌ای رفتید. الآن می‌بینید که روی عراق، لیبی و هر کشور اسلامی که می‌بینند سلاح ممتازی پیدا می‌کند حساس هستند و این را نمی‌پسندند و نمی‌توانند بپذیرند. حتی کشورهای غیر اسلامی را آمریکا تلاش کرده تا آن‌ها را یکدست کند و البته در همین ایام روسیه آن توافق‌نامه را امضا کرد و چیزی که در معرض خطر جدی بود، روسیه در آخرین لحظات آن را امضا کرد گرچه برخی از جزئیات آن اعلام‌نشده اما اصل امضای این قرارداد و این‌که در این اوضاع‌واحوال و تبلیغات جهانی، روسیه این توافق‌نامه را امضا کرد. درهرحال ما در چنین شرایط بین‌المللی هستیم. نیازمند به برنامه‌ریزی درست و دیپلماسی قوی و آمادگی و شهامت برای هرگونه فداکاری اگر لازم شد. به‌هرحال ما پیش‌قراولان یک تمدن جدید اسلامی در دنیا هستیم و باید بهای آن را بپردازیم و اگر آمادگی و هوشیاری و وحدت و یگانگی و برنامه‌ریزی درستی در کشور باشد، ما به خیلی از خطرها فائق می‌شویم و درعین‌حال باید برای خیلی از خطرها هم آمادگی داشته باشیم. ملت ما ان‌شاءالله این آمادگی و درایت را از خود نشان خواهد داد.

## نگهداری از محیط‌زیست وظیفه‌ای شرعی و ملی

نکته‌ی دیگر هم هفته‌ی منابع طبیعی است و همین‌طور روز درختکاری که من این مناسبت را گرامی می‌دارم و از همه‌ی کسانی که در این قلمرو و برای افزایش فضای سبز و حفظ منابع ارزشمند در این زمینه تلاش می‌کنند باید تشکر کرد و همه باید هم را دعوت کنیم به این‌که برای سلامت جامعه و زندگی سالم ما نیازمند این هستیم که اصل گسترش فضای سبز، حفظ کشاورزی در حدی که بتواند زندگی سالم ما را تأمین کند این جزو وظایف دینی ما و وظایف ما در منطقه هست. علیرغم این‌که ما در بحث آب مشکلاتی داریم و درعین‌حال به این مسئله باید توجه کنیم و درعین‌حال باید به حفظ منابع طبیعی حتی یک درخت و یک نهال، اهتمام بروزیم. آنچه که الآن هست به‌هیچ‌وجه کافی نیست. آینده‌ی خطرناکی در پیش روی ما خواهد بود. اصولاً دنیای امروز روی بحث محیط‌زیست، خطرات جدی او را تهدید می‌کند و هم کشور ما که کشور نسبتاً کم‌آبی است و بخصوص منطقه و استان ما که نیازمند این است که روی مسئله‌ی کشاورزی حفظ فضای سبز و توجه به منابع طبیعی واقعاً عنایت کند. یعنی آنچه که الآن هست کافی نیست. ما هر یک نهال را باید به‌عنوان یک وظیفه حفظ کنیم. یک درخت، یک زمین کشاورزی، این‌ها یک وظیفه‌ی دینی هست. غیرازآن ثواب‌هایی که برای کشاورزی و درخت‌کاری در روایات ما آمده، علاوه بر این ما عنوان ثانوی داریم و محیط‌زیست ما درخطر است. آلودگی‌ها ما را تهدید می‌کند. سلامت و آینده‌ی نسل‌های آینده را تهدید می‌کند. وظیفه‌ی ماست که در این ایام بخصوص به درخت‌کاری و حفظ درختان و حفظ فضای سبز و کشاورزی اهمیت بدهیم و در برنامه‌های دولت هم باید به این‌ها توجه داشته باشد.

### لزوم توجه دولت، به مقوله‌ی محیط‌زیست

الحمدلله دولت به این‌ها توجه کرده و ما در بحث گندم موفقیت خوبی داشتیم. در بحث قنات‌ها و بخش‌های دیگر حمایت‌های خوبی می‌شود و این حمایت‌ها باید برای حفظ فضای سبز و منابع طبیعی و همین‌طور کشاورزی افزایش پیدا کند و از آن مهم‌تر این است که فرهنگ جامعه‌ی ما فرهنگی باشد که به این امور اهتمام بروزند. آنچه که دولت باید انجام دهد، تهیه‌ی زیرساخت‌ها و حمایت‌های لازم از کشاورزی و باغداری و این‌ها اقتصادی باشد و درآمدزا باشد. این وظیفه‌ی برنامه‌ای دولت است. از بحث آب و قنات گرفته تا کشاورزی و باغ‌داری. دولت باید حمایت کند. بیمه‌های درستی قرار دهد. خیلی از این‌ها هم هست که باید توسعه و تقویت شود تا درآمدزا و اشتغال‌زا شود. طبعاً آن بحث‌ها را تأمین خواهد کرد. در کنار آن، فرهنگ توجه به منابع طبیعی و فضای سبز، چیزی است که ما باید در مدرسه و خانه به آن عنایت داشته باشیم و روی آن تأکید کنیم. بخصوص در این ایامی که اواخر اسفندماه و ایام درختکاری است. ان‌شاءالله در فرهنگ عمومی عنایت بیشتری به این مسئله بشود.

سالروز تأسیس کمیته‌ی امام خمینی1

نکته‌ی آخر هم این‌که ما در مناسبت تأسیس کمیته‌ی امداد هستیم و روز احسان و نیکوکاری و اواخر اسفند که سابقاً در غیر ایام محرم و صفر به‌عنوان جشن گفته می‌شد ولی الآن آن عنوان دیگر نیست ولی درهرحال در پایان سال باید ضمن این‌که باید از دوستان خودمان در کمیته‌ی امداد، بهزیستی و هلال‌احمر و همه‌ی مؤسسات و اهل خیری که به‌صورت گسترده، در مسائل نیکوکاری شرکت دارند. ما آمار و ارقام خوبی داریم. امروز دوستان کمیته‌ی امداد گزارش خوبی دادند از هزینه‌ای که دولت برای کمک به نیازمندان و ایتام می‌کنند. سایر بخش‌ها هم کمک‌های خوبی کرده‌اند. مؤسسات و اهل خیری هم در شهر هستند که برخی از آن‌ها کارهای نیک و ارزشمندی را انجام می‌دهند. این وظیفه‌ای است که ما باید به آن توجه کنیم و از همه‌ی کسانی که در این مؤسسات کار می‌کنند و تلاش‌های نیکی را انجام می‌دهند تشکر می‌کنیم و درعین‌حال تأکید می‌کنیم که در پایان سال در کنار سایر مسائل، عنایت ویژه‌ای به نیازمندان و یتیمان و محرومان داشته باشیم.

## لزوم کمک‌رسانی مردمی به مستمندان و نیازمندان

در برهه‌ی اخیر مقداری در بودجه‌های دولتی هم توجه بیشتری به این مقوله‌ها شده است اما واقعاً کم است و باید خود مردم هم در این زمینه حضور خوبی داشته باشند. در همین صدقات، حدود 50-60 میلیون در منطقه کمک شده و به نیازمندان و کسانی که به درمان و اشتغال و ازدواج و تهیه‌ی جهیزیه و یتیمان کمک شده است اما کم است و ان‌شاءالله فرهنگ ما فرهنگ نیکوکاری، تعاون و رسیدگی به مستمندان و نیازمندان باشد. من از همه‌ی کسانی که در این زمینه تلاش می‌کنند، تشکر می‌کنم و امیدوارم که در پایان سال در همه‌ی این مقوله‌ها توجه بیشتری مبذول بداریم. جمعی هم از کانون جوانان پیرو ولایت در اینجا حضور دارند که من خدمت آن‌ها هم خیرمقدم عرض می‌کنم.

**دعا**

نسئلک اللهم و ندعوک، باسمک العظیم الاعظم، الاعز الاجل الاکرم یا الله

خدایا دل‌های ما را به انوار ایمان روشن بفرما؛ اللهم اغفر للمومنین و المومنات والمسلمین والمسلمات؛ اللهم انصر الاسلام و اهله و اخذل الکفر و اهله؛ اللهم انصر جیوش المسلمین و عساکر المسلمین؛ خدایا خدمتگزاران به اسلام و مقام معظم رهبری و مراجع عظام را مؤید و منصور بدار؛ ارواح تابناک شهیدان و امام شهیدان و اموات و درگذشتگان و مراجع و علمای فقید ما و درگذشتگان این جمع را با اولیای خودت محشور بفرما؛ باران رحمت و برکاتت بر ما فرو بفرست؛ سلام ما را به محضر امام عصر7 ابلاغ بفرما؛ ما را از یاران او مقرر بفرما.

**( بسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ الصَّمَدُ لَمْ يلِدْ وَلَمْ يولَدْ وَلَمْ يكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ)[[21]](#footnote-21)**

1. . سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی 102. [↑](#footnote-ref-1)
2. . نهج البلاغة، خطبه 204، ص 234. [↑](#footnote-ref-2)
3. 2. سوره‌ی بقره‌ُ، آیه‌ی 197. [↑](#footnote-ref-3)
4. 2. سوره‌ی ناس، آیه‌ی 2. [↑](#footnote-ref-4)
5. . سوره‌ی فلق، آیه‌ی 1. [↑](#footnote-ref-5)
6. . سوره‌ی ناس، آیه‌ی 1. [↑](#footnote-ref-6)
7. . سوره‌ی ناس، آیه‌ی 2. [↑](#footnote-ref-7)
8. . سوره‌ی ناس، آیه‌ی 3. [↑](#footnote-ref-8)
9. . سوره‌ی حمد، آیه‌ی 2. [↑](#footnote-ref-9)
10. . سوره‌ی ناس، آیات ا-3. [↑](#footnote-ref-10)
11. . سوره‌ی ناس. [↑](#footnote-ref-11)
12. . سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی 102. [↑](#footnote-ref-12)
13. . نهج‌البلاغه، خطبه‌ی 64، ص 96. [↑](#footnote-ref-13)
14. . همان. [↑](#footnote-ref-14)
15. . همان. [↑](#footnote-ref-15)
16. . همان. [↑](#footnote-ref-16)
17. . همان. [↑](#footnote-ref-17)
18. . همان. [↑](#footnote-ref-18)
19. . همان. [↑](#footnote-ref-19)
20. . همان. [↑](#footnote-ref-20)
21. . سوره الاخلاص [↑](#footnote-ref-21)